

جایگاه فرهنگ و ادب ایران در ایده ادبیات جهانی گوته و روکرت

تألیف

دکتر محمدحسین حدادی

(عضو هیأت علمی گروه زبان و ادبیات آلمانی دانشکده زبان‌ها و ادبیات خارجی دانشگاه تهران)



شماره مسلسل ۱۰۰۲۸

شماره انتشار ۴۰۸۳

انتشارات دانشگاه تهران

سرشناسه	: حدادی، محمدحسین، ۱۳۴۰ -
عنوان و نام پدیدآور	: جایگاه فرهنگ و ادب ایران در ایده ادبیات جهانی گوته و روکرت / تألیف محمدحسین حدادی.
مشخصات نشر	: تهران: دانشگاه تهران، مؤسسه انتشارات، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	: ج، ۱۶۲ ص.
فروست	: انتشارات دانشگاه تهران؛ شماره انتشار ۴۰۸۳.
شابک	: 978-964-03-7362-0
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه: ص. ۱۴۱.
موضوع	: گوته، یوهان ولفگانگ فون، ۱۷۴۹-۱۸۳۲ م -- نقد و تفسیر
موضوع	: روکرت، فریدریش، ۱۷۸۸-۱۸۶۶ م -- نقد و تفسیر
موضوع	: حافظ، شمس‌الدین محمد، - ۷۹۲ ق -- تأثیر -- گوته، یوهان ولفگانگ فون
موضوع	: ادبیات آلمانی -- تأثیر ایران
موضوع	: شعر آلمانی -- تأثیر ایران
شناسه افزوده	: دانشگاه تهران. مؤسسه انتشارات
رده‌بندی کنگره	: PT۱۱۱۰ ۱۳۹۸
رده‌بندی دیویی	: ۸۳۱/۹۱۰۸۰۳۵۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۷۲۶۰۶۱

این کتاب مشمول قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان است. تکثیر کتاب به هر روش اعم از فتوکپی، ریسوگرافی، تهیه فایل‌های pdf، لوح فشرده، بازنویسی در وبلاگ‌ها، سایت‌ها، مجله‌ها و کتاب، بدون اجازه کتبی ناشر مجاز نیست و موجب پیگرد قانونی می‌شود و تمامی حقوق برای ناشر محفوظ است.



عنوان: جایگاه فرهنگ و ادب ایران در ایده ادبیات جهانی گوته و روکرت
تألیف: دکتر محمدحسین حدادی
ویرایش ادبی: سیده سارا قربانی تنها
نوبت چاپ: اول
تاریخ انتشار: ۱۳۹۸
شمارگان: ۲۰۰ نسخه
ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران
چاپ و صحافی: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران

«مسئولیت صحت مطالب کتاب با مؤلف است»

بها: ۲۰۰۰۰۰ ریال

خیابان کارگر شمالی - خیابان شهید فرشی مقدم - مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران
پست الکترونیک: press@ut.ac.ir - تارنما: <http://press.ut.ac.ir>
پخش و فروش: تلفکس ۸۸۳۳۸۷۱۲

تقدیم بہ

دخترانم

رہا، پانہ آ و پارمدا
پہ پہ پہ

کہ کرمانش وجودم ہستند

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست مطالب

مقدمه	ذ
فصل اول: بازتاب فرهنگ و ادب شرق در آلمان	۱
۱-۱ اولین نشانه‌های بازتاب ایران در غرب	۱
۲-۱ در زمینه ورود فرهنگ و ادب شرق به غرب	۴
۳-۱ فرهنگ و ادبیات شرق در ادبیات غرب	۷
۴-۱ فرهنگ و ادب شرق در آینه ادبیات آلمان	۸
۵-۱ اهمیت ترجمه در گرایش به فرهنگ و ادب شرق در آلمان	۱۴
۶-۱ نقش گوته در گرایش فکری به فرهنگ و ادب شرق	۱۵
فصل دوم: آنا تومی ایده ادبیات جهانی	۱۷
۱-۲ در باب ایده ادبیات جهانی	۱۷
۲-۲ واکاوی مفهوم ادبیات جهانی	۲۰
۳-۲ سیر تفکر ادبیات جهانی در آلمان	۲۲
۴-۲ هویت ایده ادبیات جهانی	۲۶
۵-۲ ادبیات جهانی در خدمت تعامل فرهنگی ملل	۲۹
۶-۲ ادبیات تطبیقی و ایده ادبیات جهانی	۲۹
۷-۲ اهمیت ایده ادبیات جهانی	۳۰
فصل سوم: هویت هنری و ادبی گوته	۳۵
۱-۳ نقش گوته در تاریخ ادبیات آلمان	۳۵
۲-۳ مسیر ادبی گوته	۳۶
۳-۳ بازتاب فرهنگ و ادب شرق در زندگی ادبی گوته	۳۷
فصل چهارم: گوته و ایده ادبیات جهانی	۴۱
۱-۴ ایده ادبیات جهانی در اندیشه گوته	۴۱
۲-۴ واکاوی ایده ادبیات جهانی از منظر گوته	۴۳

۳-۴ گوته و روح ایده ادبیات جهانی ۴۵

فصل پنجم: نقش مترجم در ایده ادبیات جهانی گوته ۵۳

۱-۵ دیدگاه گوته در زمینه رسالت مترجم ۵۳

۲-۵ کلیاتی در زمینه ترجمه ۵۴

۳-۵ ترجمه در نگاه گوته ۶۱

۴-۵ جایگاه مترجم در ایده ادبیات جهانی گوته ۶۴

فصل ششم: جایگاه شرق و فرهنگ و ادب ایران در ایده ادبیات جهانی گوته ۶۷

۱-۶ سفر معنوی و روحانی گوته به شرق ۶۷

۲-۶ گوته و فرهنگ و ادب شرق ۶۸

۳-۶ جایگاه فرهنگ و ادب ایران نزد گوته ۷۳

فصل هفتم: نقش حافظ در ایده ادبیات جهانی گوته ۷۷

۱-۷ ترجمه دیوان حافظ هامر- پورگشتال، دروازه آشنایی عمیق گوته با حافظ ۷۷

۲-۷ فرایند آشنایی گوته با حافظ ۸۰

۳-۷ حافظ در اندیشه گوته ۸۱

۴-۷ عشق گوته به زلیخای دیوان غربی- شرقی با خمیرمایه عشق شرقی ۸۲

۵-۷ جلوه حافظ در دیوان غربی- شرقی گوته ۸۵

۶-۷ در باب بخش الحاقی دیوان غربی- شرقی گوته ۸۶

فصل هشتم: اعترافات گوته به شرق در دوازده دفتر دیوان غربی- شرقی ۸۹

۱-۸ کلیات ۸۹

۲-۸ «معنی نامه» توجیه هجرت عرفانی گوته به شرق ۹۰

۳-۸ «حافظ نامه» در رثای حافظ ۹۲

۴-۸ «عشق نامه» عشق با خمیرمایه شرقی ۹۴

۵-۸ «تفکر نامه» عنایتی چند به شاعران پارسی زبان ۹۵

۶-۸ «رنج نامه» دفتر رنج گوته ۹۶

۷-۸ «حکمت نامه» حکمت شرق در آینه اشعار گوته ۹۷

۸-۸ «تیمور نامه» رنج حافظ در آینه رنج گوته ۹۸

۹-۸ «زلیخانامه» در مدح ماریانه ۹۸

فهرست □ خ

- ۱۰-۸ «ساقی‌نامه» عشق در بزم می ۱۰۰
۱۱-۸ «مثل‌نامه» امثال و حکم شرقی و غربی ۱۰۰
۱۲-۸ «پارسی‌نامه» گوته و آیین مهرپرستی ۱۰۰
۱۳-۸ «خلدنامه» به امید بهشت برین ۱۰۱

فصل نهم: دیوان غربی- شرقی گوته در خدمت ایده ادبیات جهانی ۱۰۳

- ۱-۹ روند خلق دیوان غربی- شرقی ۱۰۳
۲-۹ دیوان غربی- شرقی گوته، نماد تعامل فرهنگی ۱۰۵
۳-۹ گستره ایده ادبیات جهانی در دیوان غربی- شرقی ۱۰۷

فصل دهم: ایده ادبیات جهانی در آینه زندگی ادبی و هنری روکرت ۱۱۱

- ۱-۱۰ روکرت، سردمدار بازتاب فرهنگ و ادب شرق در آلمان ۱۱۱
۲-۱۰ زندگی ادبی و هنری روکرت در خدمت ایده ادبیات جهانی ۱۱۲

فصل یازدهم: روکرت و ایده ادبیات جهانی ۱۱۷

- ۱-۱۱ روکرت و چشم‌انداز ایده ادبیات جهانی ۱۱۷
۲-۱۱ تفکر روکرت در زمینه ترجمه ادبیات غنایی و تحقق ایده ادبیات جهانی ۱۱۸
۳-۱۱ ترجمه‌پذیری ادبیات غنایی در خدمت ایده ادبیات جهانی ۱۲۲

فصل دوازدهم: فرهنگ و ادب شرق در ایده ادبیات جهانی روکرت ۱۲۵

- ۱-۱۲ نقش روکرت در تکوین ایده ادبیات جهانی ۱۲۵
۲-۱۲ شیوه روکرت در انتقال فرهنگ و ادب شرق ۱۲۷
۳-۱۲ در زمینه ترجمه‌پذیری و ترجمه‌ناپذیری شعر ۱۳۰

فصل سیزدهم: ایده ادبیات جهانی روکرت در آینه فرهنگ و ادب ایران ۱۳۱

- ۱-۱۳ نقش روکرت در بازتاب فرهنگ و ادب بیگانه در آلمان ۱۳۱
۲-۱۳ روکرت و بازتاب شاعران پارسی‌زبان در آلمان ۱۳۲

فصل چهاردهم: سخن پایانی ۱۳۷

- منابع ۱۴۱

مقدمه

گرچه واژه «ادبیات جهانی»^۱ در زبان، فرهنگ و ادبیات آلمانی در معانی متفاوتی تعبیر و تفسیر شده است، نظر غالب اندیشمندان و متفکران آلمانی‌زبان (که اثر پیش روی نیز به دلیل برداشت جامع‌تر آن در این جهت حرکت کرده است) این است که این واژه را در دو معنای متفاوت ذیل به کار گرفت: در معنای اعم (بعد کمی واژه ادبیات جهانی) و در معنای اخص (بعد کیفی واژه ادبیات جهانی). درحالی‌که ادبیات جهانی در معنای اعم و بعد کمی آن به همه ادبیات موجود در سطح جهان اطلاق می‌شود، ادبیات جهانی در معنای اخص و بعد کیفی آن در نقطه مقابل ادبیات ملی قرار گرفته و ابعادی فراجغرافیایی و فراملی دارد.

با وجود تبیین واژه ادبیات جهانی در دو معنای ذکرشده باید به یک نکته مهم در این زمینه حتماً اشاره کرد، تا خواننده از ابتدا به‌روشنی در روند اثر پیش روی قرار گیرد. درحالی‌که در زمینه واژه ادبیات جهانی در معنای اعم و بعد کمی آن تقریباً وحدت نظر حاکم است، ادبیات جهانی در معنای اخص و بعد کیفی آن محل اختلاف صاحب‌نظران بوده و حتی سردمداران و پیشروان طرح آن در ادبیات آلمان دیدگاهی واحد در این زمینه ارائه ندادند. نگرش متفاوت نویسندگان، ادبا، شعرا و اندیشمندان آلمانی‌زبان به «ادبیات جهانی» در معنای اخص و بعد کیفی آن بررسی‌های متفاوتی را نیز به این پدیده در زبان، فرهنگ و ادبیات آلمانی رقم زده‌اند. بسیاری از منتقدان با توجه به دیدگاه‌های سردمداران و پیشروان گرایش به پدیده «ادبیات جهانی» سعی دارند به آن فقط در سطح یک واژه و مفهوم و حداکثر در سطح یک تفکر بنگرند، اما عده‌ای نیز، همچون پتر گوسنس^۲، در کتاب خود با عنوان *ادبیات جهانی، مدل‌های درک تراملیتی ادبیات در قرن نوزدهم*^۳ (۲۰۱۱) از آن به‌منزله یک مدل یاد می‌کنند و برخی نیز، چون دیتر لامپینگ^۴، در آثار خود با عناوین *ایده ادبیات جهانی، فریافت‌گفته و تحول آن*^۵ (۱۹۱۱) و *ادبیات بین‌المللی*^۶ (۲۰۱۳) به آن به چشم یک ایده می‌نگرند.

اثر پیش روی در صدد است با استناد به دیدگاه‌های یوهان ولفگانگ فون گوته^۷ و فریدریش روکرت^۸ و در راستای تفکر دیگر بزرگان آلمانی‌زبان در زمینه ادبیات موجود در جهان، ادبیات جهانی را در معنای

1- Weltliteratur

2- Peter Goßens

3- *Weltliteratur. Modelle transnationaler Literaturwahrnehmung im 20. Jahrhundert*

4- Dieter Lamping

5- *Die Idee der Weltliteratur. Ein Konzept Goethes und seine Karriere*

6- *Internationale Literatur*

7- Johann Wolfgang von Goethe

8- Friedrich Rückert

اخص و بعد کیفی به عنوان یک ایده در مقابل ادبیات ملی و هم‌سو با ادبیات تطبیقی بررسی کند و شکل‌گیری و تکوین آن را در ارتباط با فرهنگ و ادب ایران توجیه و تبیین کند. برداشت نویسنده اثر پیش روی از ایده (پدیده، مدل یا حداقل تفکر) ادبیات جهانی، که با استناد به دیدگاه‌های پیشروان، سردمداران و رهروان آن در فرهنگ و ادب آلمان مورد تأکید قرار گرفته است، این است که ادبیات جهانی ادبیاتی فراجغرافیایی است که در آن نزد نویسندگان، ادبا و شعرای مختلف جهان نگرش گشودن مرزهای خود به روی ادبیات بیگانه و کشورهای مختلف جهان حاکم بوده، نگاه ملی و دیدگاه قومی و ناسیونالیستی نسبت به ادبیات ملی جای خود را به ادبیات فراجغرافیایی، فراقومی، فراملی و جهان‌شمول در گستره ادبیات ملل مختلف جهان داده و میل به استفاده متقابل از ظرفیت‌ها، امکانات و توانمندی‌های موجود در فرهنگ و ادب ملل مختلف جهان، با زبان‌ها و فرهنگ‌های متفاوت جلوه‌گر شود.

بزرگان و شخصیت‌های ادبی که در زبان و ادبیات آلمانی، ایده ادبیات جهانی را شکل بخشیده‌اند به همه ادبیات موجود در سطح جهان (ادبیات ملی و قومی نگاشته‌شده در همه کشورهای و فرهنگ‌های دنیا) به دیده یکسانی می‌نگرند و تأثیرگذاری و تأثیرپذیری بالقوه و بالفعل در ادبیات کشورهای مختلف، نگاه آمیخته با تکریم و احترام به فرهنگ و ادب بیگانه و استفاده متقابل از ظرفیت‌ها، امکانات و توانمندی‌های موجود در ادبیات کشورهای جهان را شرط ضروری برای تحقق ایده ادبیات جهانی می‌بینند و بر این باورند که نگرش عاری از شیفتگی به ادبیات ملی و نگاه آمیخته از احترام به ادبیات بیگانه در راستای غنای ادبیات ملی و در نهایت پیوستن ادبیات ملی به حلقه ناب ادبیات جهانی خواهد بود. تفکر طرح ایده ادبیات جهانی گرچه در جهت دیدگاه‌های مورد توجه قرار گرفته فوق بر پایه فرهنگ و ادب کشورها و ملل مختلف جهان استوار شده است، اما آن را نباید فقط در ابعاد فرهنگی و ادبی، بلکه در ابعاد دیگر نیز، همچون سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، صادق دید.

ایده ادبیات جهانی در آلمان^۱ (کشورهای آلمانی‌زبان) که تقریباً هم‌زمان با گرایش متفکران، ادبا و شاعران آلمانی‌زبان به فرهنگ و ادب شرق شکل گرفت،^۱ به گونه‌ای در آلمان دنبال شده و تکوین یافته

۱- واژه آلمان در اثر پیش رو برای همه کشورهای آلمانی‌زبان چون آلمان (Deutschland)، اتریش (Österreich) و پروس (Preußen) و حتی سوئیس (Schweiz) در نظر گرفته شده است. علت استفاده از واژه آلمان به جای کشورهای آلمانی‌زبان (مگر در مواردی که با عنوان کشورهای آلمانی‌زبان نیت خاصی دنبال شود) به این علت است که زبان آلمانی زبان واحد و رسمی کشورهای آلمانی‌زبانی چون اتریش، پروس (پروس بعد از جنگ جهانی دوم منحل شده است)، سوئیس و آلمان (آلمان تا سال ۱۸۷۱ نه به عنوان یک کشور واحد، بلکه یک قلمروی آلمانی‌زبان مشتمل بر ایالت‌های شمالی و جنوبی همچون بایرن بوده است) است. از نظر نویسنده این اثر، تاریخ سیاسی، فرهنگی و اقتصادی آلمان تا سال ۱۸۷۱ و تأسیس رایش دوم (Zweites Reich) هویتی مستقل نداشت و آلمان تا این زمان با نام ایالت‌ها و امیرنشین‌های شمالی و جنوبی در کنار اتریش و پروس به حیات سیاسی، فرهنگی و اقتصادی خود ادامه داده بود.

اتریش، پروس و ایالت‌های شمالی و جنوبی آلمان تا سال ۱۸۰۶ از نظر سیاسی تحت حاکمیت «رایش اول» (Erstes Reich) یا به عنوانی دیگر «امپراتوری مقدس روم» (Heiliges Römisches Reich) بودند. افزودن دو واژه مکمل «ملت آلمان»

است که می‌توان آن را به‌ویژه در فرهنگ و ادب ایران متجلی دید. فرهنگ و ادب ایران به‌عنوان الگوی بی‌نظیر و بی‌بدیل فرهنگ و ادب شرق نزد سردمداران و رهروان ایدۀ ادبیات جهانی جایگاهی بسیار رفیع داشته است. در میان ادبا و شعرای ایرانی نیز، حافظ در گسترۀ ایدۀ ادبیات جهانی در فرهنگ و ادب آلمان نقش ویژه‌ای ایفا کرده است.

ورود فرهنگ و ادب شرق به غرب و تأثیر شگرف این فرهنگ و ادب بر شکل‌گیری و تکوین (ایدۀ) ادبیات جهانی، مسیر پر فراز و نشیبی را طی کرده است. آشنایی اولیه غرب با فرهنگ و ادب شرق، که

(Deutsche Nation) به «امپراتوری مقدس روم» با عنوان «امپراتوری مقدس روم ملت آلمان» (Heiliges Römisches Reich deutscher Nation) در قرن شانزدهم صورت گرفت. اینکه در تاریخ جهان موجودیت آلمان به‌عنوان یک ملت با نام رایش اول و تأسیس آن در سال ۹۶۲ میلادی رقم خورده است، به این علت است که اولین امپراتور رایش اول، اوتوی اول (Otto I.) یا به عبارتی اوتوی کبیر (Otto der Große) از نژاد ژرمن بوده است. پیروزی اوتوی بزرگ بر مجارها در سال ۹۵۵ میلادی برای بسیاری از مورخان (جهان و آلمان) تبلور و سمبل تولد ملیت آلمان در تاریخ جهان و آغاز به‌کارگیری واژه‌های آلمان (Deutschland) و آلمانی‌ها (Deutsche) است.

برخلاف اتریش و پروس که بعد از فروپاشی رایش اول در سال ۱۸۰۶ به‌عنوان قدرت‌های مستقل سیاسی بزرگ آلمانی‌زبان در اروپا به شمار می‌رفتند و از مجلس ملی برخوردار بودند، بین ایالت‌های شمالی و جنوبی آلمان با وجود وحدت زبانی و ملی، وحدت رویۀ سیاسی وجود نداشت. با تأسیس رایش دوم در سال ۱۸۷۱، که با پشتکاری و حمایت بیسمارک (Bismarck) نخست‌وزیر وقت پروس صورت گرفت، پادشاه پروس، ویلهلم دوم (König Wilhelm II.)، با نام کامل فریدریش ویلهلم ویکتور آلبرت فون پروس (Friedrich Wilhelm Viktor Albert von Preußen) در کنار حفظ سمت خود (پادشاه پروس) رهبری سیاسی ایالت‌های شمالی و جنوبی آلمان را با عنوان امپراتور آلمان (رایش دوم) در دست گرفت. قدرت نظامی، سیاسی و اقتصادی رایش دوم (که با عنوان امپراتوری آلمان Deutsches Kaiserreich و رایش آلمان Deutsches Reich نیز مشهور است) نام پروس را به‌تدریج به‌عنوان یک کشور بزرگ سیاسی و اقتصادی آن روز در تاریخ آلمان محو کرد. اتریش نیز که قبل از اتحاد ایالت‌های شمالی و جنوبی آلمان با تاریخ آلمان عجین بود، بعد از سال ۱۸۷۱ از صحنۀ سیاسی آلمان خارج شد و با تشکیل اتحادیۀ اتریش-مجارستان (Österreich-Ungarn) که تا جنگ جهانی اول ادامه یافت، به حیات سیاسی خود ادامه داد. اتریش پس از جنگ جهانی اول (به جز از سال ۱۹۳۷ تا پایان جنگ جهانی دوم که به دستور هیتلر ضمیمۀ آلمان شد) با جدا شدن از اتحادیۀ اتریش-مجارستان با نام جمهوری اتریش به‌عنوان یک کشور مستقل آلمانی‌زبان شناخته می‌شود.

نقش سوئیس نیز در تاریخ آلمان به‌عنوان یک کشور آلمانی‌زبان جالب است (البته تقریباً به‌عنوان یک کشور آلمانی‌زبان، زیرا به جز زبان آلمانی که زبان اکثریت مردم سوئیس است، زبان‌های فرانسوی، ایتالیایی و رمانش-Romansh نیز در این کشور رایج‌اند). این کشور بعد از پایان جنگ‌های سی‌ساله (بین سال‌های ۱۶۴۸-۱۶۱۸) به‌مانند برخی از کشورها، ایالت‌ها و امیرنشین‌های آن روز، که تحت حاکمیت رایش اول بودند، از قیومیت سیاسی، فرهنگی و اقتصادی این رایش خارج و به‌عنوان یک کشور مستقل به رسمیت شناخته شد. سوئیس هرچند امروزه نیز از نظر فرهنگی بسیار به آلمان نزدیک است، اما استقلال سیاسی و اقتصادی خود را کماکان حفظ کرده است.

۱- نهضت گرایش فکری به شرق در برخی از کشورهای اروپایی، به‌ویژه فرانسه، که سردمدار این نهضت بود، سال‌ها قبل از طرح (ایدۀ) ادبیات جهانی در آلمان آغاز شده بود.

س □ جایگاه فرهنگ و ادب ایران در ایده ادبیات جهانی گوته و روکرت

از دوران جنگ‌های صلیبی آغاز شد.^۱ با شک و تردید و نگاه بدبینانه و حتی غرض‌آلود همراه بود. اما به تدریج با پی بردن متفکران، ادبا و شاعران غرب به غنای فرهنگ و ادب شرق، از پیش‌داوری‌های منفی غرب به شرق کاسته شده و نگاه مثبت و آمیخته با احترام به شرق موجی از گرایش شاعران و نویسندگان غربی به سمت فرهنگ و ادب شرق را به دنبال داشت.^۲

گرایش نویسندگان و متفکران غربی به فرهنگ و ادب شرق در ابتدا به استفاده از موضوعات شرقی محدود بود، اما این فرهنگ و ادب به‌زودی منبع الهام ادبای غربی در خلق آثار ادبی شد. اسپانیا دروازه‌آشنایی با شرق و فرانسه پیشگام و سردمدار نهضت گرایش فکری به شرق در غرب بودند. موج گرایش متفکران، شاعران، نویسندگان و ادبای فرانسوی به شرق، شاعران و ادبای دیگر کشورهای اروپایی (غربی) و از جمله آلمان را، که آشنایی اندکی با فرهنگ و ادب غنی شرق داشتند، ترغیب کرد که به نهضت گرایش فکری به شرق بپیوندند. در این میان، اتریش در حوزه کشورهای ایالات و امیرنشین‌های آلمانی‌زبان سردمدار گرایش به فرهنگ و ادب شرق بود.

در دوره روشنگری^۳، اولین آثار الهام‌گرفته از شرق در ادبیات آلمان خلق شدند. آنچه در این دوره در فرهنگ و ادب آلمان چشمگیر است، نگاه جدی اندیشمندان، نویسندگان، ادبا و شعرای آلمانی‌زبان به موضوعاتی با مضامین شرقی است. یکی از اولین و مهم‌ترین آثار در این دوره، نمایش‌نامه *ناتان فرزانه*^۴ (که در ایران با نام *ناتان حکیم* ترجمه شده است)، اثر گوته‌لد افرائیم لسینگ^۵، یکی از نمایش‌نامه‌نویسان و نظریه‌پردازان برجسته ادبیات نمایشی در آلمان است. لسینگ را در ادبیات آلمان می‌توان به‌عنوان اولین شخصیت بزرگ ادبی آلمانی‌زبان نام برد که نام وی با ایده ادبیات جهانی گره خورده است؛ به‌ویژه نگاه او به بحث تسامح در ادیان و الهام گرفتن از موضوعی شرقی در نمایش‌نامه یاد شده. بحث تسامح در مورد ادیان از اولین مؤلفه‌های مهم مطرح‌شده در زمینه نزدیکی فرهنگ‌های مختلف بوده و به‌منزله یکی از عوامل مهم تحقق ایده ادبیات جهانی در فرهنگ و ادب آلمان شایسته توجه است.

۱- البته آشنایی اولیه غرب با علوم و فنون شرقی قرن‌ها پیش‌تر و از اواسط قرن دهم میلادی شروع و تا شروع جنگ‌های صلیبی برخی از منابع علمی شرقی (از جمله آثار ابن سینا) به زبان لاتین ترجمه شدند. در فصل نخست این اثر نشان داده خواهد شد که آشنایی غرب با شرق به دوران یونان و روم قدیم (قبل از تولد حضرت عیسی مسیح) برمی‌گردد، اما آنچه در باب این آشنایی تا شروع جنگ‌های صلیبی قابل ذکر است، این است که این آشنایی بیشتر ابعاد سیاسی و اقتصادی و در کنار آن تاریخی و فرهنگی داشتند.

۲- برای اطلاع بیشتر در مورد ورود فرهنگ و ادب شرق به غرب رجوع شود به جستارهای ذیل:

حدادی، م. ح. «جایگاه شرق و دیوان حافظ در اندیشه گوته» در: پژوهش زبان‌های خارجی، ش ۳۰، تهران، ۱۳۸۷.
Khodaie, N.; „Eindringen des Orients in den deutschen Sprachraum“. In: *Pazhuhesh-e Zabanha-ze Kharji*. Nr. 48. Teheran. 2008

3- Aufklärung (حدود 1720-1785)

4- *Nathan der Weise*

5- Gotthold Ephraim Lessing

مقدمه □ ش

نفوذ فرهنگ و ادب شرق در دورهٔ رمانتیسم^۱ آن‌چنان چشمگیر بود و شدت گرفت که نویسندگان، ادبا و شاعران آلمانی‌زبان، که در دورهٔ کلاسیک^۲ به سمت ادبیات یونان و روم قدیم گرایش داشته و از آن اشباع شده بودند، در شرق نیروی تازه‌ای برای الهام در خلق آثار ادبی دیدند. شرق در این زمان نزد اندیشمندان آلمانی‌زبان مترادف با سرزمین رؤیاها و شگفتی‌ها و مظهر معنویت^۳ (دینی) بود. هم‌زمان با این نگرش مثبت و شور و شوق متفکران آلمانی‌زبان به فرهنگ و ادب شرق، ایدهٔ ادبیات جهانی نیز، که به ادبیات دنیا فارغ از هرگونه وابستگی جغرافیایی، دینی، سیاسی، فرهنگی، قومی، ملی و ناسیونالیستی می‌نگریست، نضج گرفت.

گرچه مفهوم ادبیات جهانی- که از اواخر قرن هجدهم (از دورهٔ روشنگری) در آلمان مطرح و شکل گرفت و در اوایل قرن نوزدهم از سوی یوهان ولفگانگ فون گوته تکوین یافت^۴- از نظر نوع برداشت به ادبیات سایر ملل و از نظر مضمون و محتوا محل اختلاف صاحب‌نظران است، اما اگر این پدیده را براساس نوع نگرش گوته و روکرت، که به این مفهوم هویت بخشیده و نام آن‌ها با آن عجین شده است، در نظر بگیریم و بررسی کنیم، می‌توان به تعریف یا شاید حتی برداشت دقیقی از آن دست یافت.

همان‌گونه که اشاره شد، واژهٔ ادبیات جهانی در زبان و ادبیات آلمانی عموماً در دو معنا به کار می‌رود: در معنای اعم (بعد کمی) و در معنای اخص (بعد کیفی). ادبیات جهانی به معنای اعم به مجموع ادبیات منتشرشده در همهٔ فرهنگ‌ها و کشورهای جهان اطلاق می‌شود و بنابراین شاید به زبان فارسی واژهٔ معادل «ادبیات جهان» برای ادبیات در چنین مفهومی مناسب‌تر باشد. اما ادبیات جهانی به معنای اخص (آن‌گونه که به‌عنوان یک ایده مد نظر گوته و روکرت بود)، ادبیاتی فراملی، فراقومی و فرامنطقه‌ای بوده و با گریز از دیدگاه ناسیونالیستی و سیاسی و نگاه افراطی به ادبیات خودی، در جست‌وجوی اشتراکات فرهنگی و ادبی بین ملل مختلف جهان است.

درحالی‌که زبان فارسی این امکان را می‌دهد که ادبیات جهانی را در معنای اعم از معنای اخص آن تفکیک کنیم، در واژهٔ آلمانی Weltliteratur (معادل انگلیسی World literature) هم‌زمان بعد کمی ادبیات جهانی در معنای اعم (ادبیات جهان) و بعد کیفی ادبیات جهانی در معنای اخص (ادبیات

1- Romantik (حدود 1798-1835)

گرچه برای معادل آلمانی Romantik واژهٔ رمانتیک در زبان فارسی به دلیل وفاداری به زبان مبدأ (زبان آلمانی) منطقی‌تر به نظر می‌رسید، اما از آنجا که این واژه در زبان فارسی در معانی دیگری نیز (از جمله عاشقانه) جلوه‌گر شده است، نویسندهٔ اثر پیش رو واژهٔ رمانتیسم را بر واژهٔ رمانتیک ترجیح داده است.

2- Klassik (حدود 1786-1832)

3- Spiritualität

۴- گرچه ایدهٔ ادبیات جهانی از اواخر قرن هجدهم و اوایل قرن نوزدهم در مطالعات شرق‌شناسی یوهان ولفگانگ فون گوته و الهام وی از ادبیات شرق و دیگر کشورها رقم خورده است، یکی از اولین مصادیق و شواهد بارز به کار بردن واژهٔ ادبیات جهانی گفت‌وگوی سال ۱۸۲۷ او با دوست و منشی خود یوهان پتر اکرمان (Johann Peter Eckermann) بوده است.

جهانی) نهفته است.^۱ آنچه در این اثر مورد مذاقه و توجه قرار گرفته است تبیین معنای اخص و بعد کیفی ادبیات جهانی به منزله یک ایده است که مدنظر گوته و روکرت بوده و فراتر از معنای اعم و بعد کمی آن است.

بعد از لسینگ، که دید آرمانی او در زمینه تسامح در مورد ادیان به صورت غیرمستقیم در جهت تفکر ادبیات جهانی قرار گرفته است، شاید بتوان یوهان گوتفرد فون هردر^۲ را به عنوان اولین شخصیت بزرگ ادبی آلمانی زبان نام برد که با دعوت از اندیشمندان، شعرا و ادبای آلمانی در پیوستن به نهضت فکری گرایش به ادبیات بیگانه و در رأس آن شرق در شکل گیری ایده ادبیات جهانی نقش بسزایی ایفا کرده است. او با گرایش فکری خود به فرهنگ و ادب شرق در ادبیات آلمان بر باورهای گوته و روکرت، دو مظهر و نماد طرح تفکر و ایده ادبیات جهانی در آلمان، بسیار تأثیرگذار بوده است.

مطالعات گوته در زمینه شرق، دید فراجغرافیایی او در ارتباط با ادبیات ملل مختلف جهان، نگاه فارغ از شیفتگی به ادبیات خودی و احترام متقابل او به ادبیات شرق (و اساساً بیگانه) و الهام پذیری از فرهنگ و ادب شرق، که در برخی آثار وی جلوه گر شده اند، آن چنان پایدار است که فرهنگ و ادب شرق- و در رأس آن ایران- و تعمیق ایده ادبیات جهانی در زبان و ادبیات آلمانی با نام او عجین شده است.

شرق برای گوته تا سال ۱۸۱۴، که ترجمه *دیوان حافظ* یوزف فرایهر فون هامر- پورگشتال^۳ به دست او رسید،^۴ محفلی برای آسودگی فکری او از زمان حال و در عین حال ارج و قرب نهادن بر ادبیات شرق و فراهم کردن بستری مناسب برای گرایش بیش از پیش دیگر شعرا، ادبا، نویسندگان و اندیشمندان آلمانی زبان (فرهنگ و ادب آلمان) به فرهنگ و ادب شرق بود. مطالعه ابیاتی چند از ترجمه *دیوان حافظ* هامر- پورگشتال چنان تأثیری بر این اختر تابناک ادبیات آلمان نهاد که با تأسی از مضامین عرفانی- شرقی این مجموعه در تلاش برای سرودن اشعاری به سبک و سیاق حافظ برآمد و با خلق *دیوان غربی- شرقی*^۵ در سال ۱۸۱۹ نمونه بی نظیری از گرایش شاعر و ادیب غربی به شرق ارائه و پاسخی به هجرت عرفانی و روحانی خود به (فرهنگ و ادب) شرق داد.

۱- از آنجا که در زبان آلمانی، برخلاف زبان فارسی، تفکیک معنای واژه آلمانی *Weltliteratur* در مفهوم عام (کمی) و خاص (کیفی) امکان پذیر نیست، (جهت روشنگری خواننده) ذکر این نکته ضروری است که در ادامه این اثر، برای ادبیات جهانی در معنای اعم، واژه ادبیات جهان ترجیح داده شده و مفهوم ادبیات جهانی برای بعد کیفی و معنای خاص ادبیات جهانی در نظر گرفته شده است.

2- Johann Gottfried von Herder

3- Joseph Freiherr von Hammer-Purgstall

۴- گرچه ترجمه *دیوان حافظ* هامر- پورگشتال از دید بسیاری از منتقدان ترجمه دقیق، رسا و زیبایی از *دیوان حافظ* نبود، این ترجمه اولین ترجمه کامل از *دیوان حافظ* به زبان آلمانی بوده و در شناساندن افکار حافظ و فرهنگ و ادب غنی ایران در آلمان (کشورهای آلمانی زبان) نقشی مهم ایفا کرده است.

5- *West-Östlicher Divan*

گرچه ارادت خاص گوته به حافظ، که در وی همزاد خود را یافت، انگیزه اصلی او برای پی‌ریزی *دیوان غربی- شرقی* و هجرتی روحانی و عرفانی از دنیای پرآشوب غرب (که به‌ویژه بعد از انقلاب فرانسه از نظر سیاسی بسیار ملت‌هت‌ب بود) به شرق و تحقق ایده و تفکر دیرباز او، ادبیات جهانی، بود، نباید از نظر نیز دور داشت که بدون آشنایی او با ماریانه فون ویلمر^۱ و عشق به وی و بالطبع تأثیرپذیری او از این عشق، آفرینش *دیوان غربی- شرقی* به شکلی که در سال ۱۸۱۹ منتشر شده است ممکن نبود. ذکر این نکته نباید به معنای نفی تأثیر مستقیم حافظ بر نگارش *دیوان غربی- شرقی* باشد، اما در صورت عدم حضور ماریانه در زندگی گوته، *دیوان* احتمالی جلوه دیگری می‌یافت. علاقه گوته به سرودن اشعاری در مدح حافظ و *دیوان* وی با عشق آتشین او به ماریانه فون ویلمر شعله‌ورتر شد و به خلق *دیوان غربی- شرقی*، که در ادبیات آلمان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است، منجر شده و در تحقق ایده ادبیات جهانی نقشی کلیدی ایفا کرده است.

فریدریش روکرت یکی از رهروان گرایش به فرهنگ و ادب شرق در آلمان و از سردمداران و (حداقل) رهروان ایده ادبیات جهانی، در راستای افکار و اندیشه‌های گوته و با الهام از دیدگاه‌های هردر و هامر- پورگشتال در زمینه شرق، به ترجمه فرهنگ و ادب شرق همت گماشت و به این ترتیب نه‌فقط در گرایش بیش از پیش نویسندگان، ادبا و شعرای آلمانی‌زبان به شرق تأثیرگذار بود، بلکه در راستای هدف دیرینه خود، غناسازی زبان آلمانی، که از منظر او از همه ابزار لازم برای بیان تفکر ملت‌ها برخوردار بود، گامی مهم برداشت.

روکرت، که از اوان کودکی شیفته شرق بود، با دنبال کردن دیدگاه‌های گوته در زمینه ادبیات جهانی، زبان آلمانی را زبانی مناسب برای ترجمه و حامل ادبیات جهانی دانسته و بر دیدگاه‌های گوته در این خصوص تأکید کرد. سفر روکرت به وین اتریش در سال ۱۸۱۸ و دیدار او با هامر- پورگشتال، مترجم *دیوان حافظ* که به او اطلاعاتی عمیق در زمینه ادبیات شرق بخشید، یکی از نقاط عطف زندگی این شاعر و مترجم برجسته آلمانی است و باب مطالعه عمیق او را در زمینه فرهنگ و ادبیات شرق بیش از پیش گشود. روکرت یادگیری زبان فارسی را نیز مرهون هامر- پورگشتال است و طی اقامت خود در اتریش (مهد مطالعات شرق‌شناسی در کشورهای آلمانی‌زبان) با برخی از دیگر زبان‌های شرقی، چون عربی و سانسکریت، آشنا شد و با جدیت به آموختن آن‌ها پرداخت.

اقامت روکرت در وین اتریش با دیدار او با کارل ویلهلم فریدریش فون اشگل^۲، یکی از پیشروان سردمداران (و به‌زعم برخی پدر) مکتب رمانتیسم مصادف شد؛ دیداری که همراه مطالعه عمیق *دیوان غربی- شرقی* گوته و ترجمه *دیوان حافظ* هامر- پورگشتال الهام‌بخش او در ترجمه اشعار شعرای پارسی‌زبانی چون حافظ و مولوی شد. فرم شعری غزل چنان تأثیری بر روکرت داشت که او ابتدا برخی

1- Mariane von Wilmer

2- Karl Wilhelm Friedrich von Schlegel

ط □ جایگاه فرهنگ و ادب ایران در ایده ادبیات جهانی گوته و روکرت

از مجموعه اشعار خود را براساس این فرم شعری سرود و در نهایت با رعایت فرم غزل در ترجمه، تفکری نو در ترجمه شعر از زبان مبدأ به زبان مقصد ارائه کرده و ترجمه خود را در خدمت نزدیکی فرهنگ و ادب غرب و شرق و تحقق ایده ادبیات جهانی قرار داد.

گل‌های شرقی^۱ روکرت، که با الهام از دیوان غربی- شرقی گوته در سال ۱۸۱۹ خلق و در سال ۱۸۲۲ منتشر شده است، گام نخست روکرت در گرایش به فرم شعری غزل بود. او با این اثر فرم شعری غزل را برای اولین بار وارد زبان آلمانی کرده و با استفاده از ظرفیت‌ها و توانمندی‌های موجود در فرهنگ و ادب ایران در جهت ایده ادبیات جهانی گام برداشت. ورود فرم شعری غزل به زبان و ادبیات آلمانی به روکرت کمک کرد در ترجمه‌های اشعار شعرای پارسی‌زبانی (حافظ و مولوی) که به این سیاق شعر سروده‌اند، در حد معقول این فرم شعری را رعایت کرده و در ادبیات آلمان به‌عنوان مترجمی که در ترجمه خود دقت لازم را به عمل آورده است از جایگاهی ویژه برخوردار شود.

در اثر پیش روی، بازتاب فرهنگ و ادب شرق در آلمان و چگونگی آشنایی گوته و روکرت با فرهنگ و ادب شرق و در رأس آن ایران و سیر تفکر این دو اختر تابناک ادبیات آلمان در زمینه ادبیات شرق با استناد به بحث الهام از فرهنگ و ادب و مضامین شرقی در خلق آثار ادبی، گستره ایده ادبیات جهانی و نقش ترجمه در ایده ادبیات جهانی مورد مذاقه قرار می‌گیرند تا عمق تأثیر فرهنگ و ادب شرق و به‌ویژه ایران در شکل‌گیری و تکوین ایده ادبیات جهانی در آلمان در ابعاد ادبی و در کنار آن سیاسی، اجتماعی و فرهنگی شناسانده شود.

هدف از نگارش این اثر آن است که از طرفی ایده ادبیات جهانی تجزیه و تحلیل شود و از طرف دیگر با کندوکاو در افکار گوته و روکرت در زمینه فرهنگ و ادب ایران، به این سؤال پاسخ داده شود که طرز تفکر گوته در راه تحقق ایده ادبیات جهانی چگونه شکل گرفته و به چه ترتیبی در این دیدگاه روکرت جلوه‌گر شده است: زبان مظهر تفکر ملت‌ها، شعر آینه تفکر ملت‌ها و ترجمه تنها راه انتقال تفکر ملت‌ها. برای ارزیابی بهتر دیدگاه‌های گوته و روکرت در زمینه ایده ادبیات جهانی، چگونگی ورود فرهنگ و ادب شرق، و در رأس آن ایران، به غرب نیز در این اثر بررسی شده است تا خواننده به‌خوبی در فرایند تحول ایده ادبیات جهانی قرار گیرد.

قبل از ورود به مبحث، لازم است برای رفع هرگونه شبهه و تردید به دیدگاه نویسنده این اثر، توجه خواننده به نکته بسیار مهمی جلب شود. برای آنکه نگرش گوته و روکرت در زمینه فرهنگ و ادب شرق و ارتباط فرهنگ و ادب ایران با شکل‌گیری و تکوین ایده ادبیات جهانی برای خواننده ملموس‌تر باشد، همه نقل‌قول‌های مستقیمی^۲ که از این دو اختر تابناک ادبیات آلمان در بطن متن ذکر شده‌اند تا حد

1- *Östliche Rosen*

۲- همه نقل‌قول‌های مستقیم به زبان اصلی در پاورقی نیز ذکر شده‌اند تا برای خواننده امکان مقایسه با ترجمه این نقل‌قول‌ها در متن اصلی به صورت ملموس وجود داشته باشد.

مقدمه □ ظ

امکان تحت‌اللفظی^۱، به دلیل وفاداری به متن اصلی و کلام نویسنده، ترجمه شده‌اند. این رویه در ترجمه اشعار^۲ نیز دنبال شده است تا فرم (حداقل فرم ظاهری^۳، زیرا فرم باطنی^۴ به دلیل تفاوت ساختاری و معنایی دو زبان فارسی و آلمانی تقریباً غیر ممکن است) استفاده‌شده در زبان مبدأ در زبان مقصد رعایت شود و خواننده ارتباطی نزدیک‌تر با متن زبان مبدأ برقرار کند.

هدف از اتخاذ چنین روشی از طرف نویسنده، که احتمالاً در جهت تفکر برخی از اندیشمندان، نویسندگان و مترجمان فارسی‌زبان و آلمانی‌زبان نیست، قرار دادن خواننده در بطن متن زبان مبدأ است، اما در مواقعی نیز که نویسنده این احساس را داشت که ممکن است ترجمه تحت‌اللفظی در کنه کلام گوته و روکرت و فهم متن زبان مبدأ خللی ایجاد کند، ترجمه آزاد^۵ استفاده شده است^۶ و البته نویسنده حتی در این موارد سعی کرده است که از فحوای کلام در متن زبان مبدأ خارج نشود.

نویسنده این اثر با علم به اینکه برای رساندن پیام صریح نویسنده و شاعر زبان مبدأ از ترجمه آزاد و بومی‌سازی^۷ نیز نباید غافل شد، معتقد است که در ترجمه ادبی و به‌ویژه ادبیات غنایی باید تفکر زبان مبدأ در زبان مقصد محسوس و ارتباط بین نویسنده (شاعر) زبان مبدأ با خواننده زبان مقصد (توجه به کنه کلام شاعر زبان مبدأ و برآوردن انتظارات خواننده زبان مقصد) حفظ شود. در نگاه نویسنده این اثر، ترجمه تحت‌اللفظی، یا به عبارتی بیگانه‌سازی، می‌تواند کمک شایانی در راه آشنایی خوانندگان زبان مقصد با تفکر نهفته در زبان مبدأ کند.

با اینکه نویسنده روش تحت‌اللفظی را در ترجمه ادبی و به‌ویژه ترجمه ادبیات غنایی ترجیح داده است، این رویه نباید به‌هیچ‌وجه بیانگر این نکته باشد که نویسنده رویکرد دیگر مترجمان را، که از

1- Wörtliche Übersetzung

۲- همه اشعار به زبان اصلی در پاورقی ذکر شده‌اند.

۳- منظور صورت ظاهری شعر زبان مبدأ است، زیرا در فرم شعری امکان هم‌ارزی بین زبان مبدأ و مقصد به دلیل تفاوت‌های ساختاری (نحوی) وجود ندارد یا حداقل امکان آن بسیار ضعیف است.

۴- منظور از فرم باطنی (که اصطلاح ترجیح داده شده توسط نویسنده این اثر است و برای آن می‌توان در زبان آلمانی از واژه Geist سود جست) استفاده از مواردی چون وزن و قافیه و حتی ارکان زبانی چون فعل، اسم قید، صفت و... در زبان مقصد براساس زبان مبدأ است. درحالی‌که در مورد وزن و قافیه امکان معادل‌سازی تقریباً محال است، اما برای مواردی چون فعل و اسم در بسیاری از موارد امکان معادل‌سازی و هم‌ارزی بین زبان مبدأ و مقصد در صورت تسلط مترجم وجود دارد. البته از روکرت باید به‌عنوان یک استثنا در علم و تاریخ ترجمه یاد کرد، اما او با وجود رعایت فرم شعری غزل (براساس امکانات موجود در زبان آلمانی) در برخی مواقع به دلیل رعایت فرم از کنه کلام حافظ خارج شده است. شاید به همین علت است که برخی از بزرگان ادب آلمان چون هردر و لسینگ در ترجمه شعر، ترجمه منثور را به دلیل وفاداری به متن زبان مبدأ و حفظ روح اشعار ترجیح داده و بر آن تأکید داشته‌اند.

5- Freie und sinngemäße Übersetzung

۶- براساس شعار (نیومارک Newmarck): تا حد ممکن تحت‌اللفظی و در صورت لزوم آزاد.

So wörtlich wie möglich und so frei wie nötig.

۷- برخی مترجمان حتی بازسرایبی را ترجیح می‌دهند.

ع □ جایگاه فرهنگ و ادب ایران در ایده ادبیات جهانی گوته و روکرت

روش‌هایی چون بازسرای، ترجمه آزاد یا حتی منثور استفاده کرده‌اند، نفی می‌کند. وی بر این باور است که هر روشی که از نظر مترجم جلوه‌گاه تفکر شاعر و نویسنده زبان مبدأ در زبان مقصد باشد به نوبه خود شایسته تقدیر است، اما مهم این است که ویژگی‌های ادبی متن زبان مبدأ در زبان مقصد حفظ شود؛ یعنی هر متن ادبی (چه نثر باشد و چه نظم) ویژگی‌های ترجمه ادبی را رعایت کند و شعر نیز ترجیحاً به زبان شعر (البته با توجه به امکانات موجود در زبان مقصد) ترجمه شود.

نگرش نویسنده این اثر در خصوص ترجمه به نوعی در جهت ایده ادبیات جهانی و استفاده از ظرفیت‌ها و توانمندی‌های موجود در زبان‌های مختلف است که البته از نگاه دیگران می‌تواند در روش‌های متفاوت دیگری نیز انعکاس یابد. به همین دلیل نیز، به‌ویژه در فصل «نقش مترجم در ایده ادبیات جهانی گوته» روش‌ها، شیوه‌ها، راهبردها و دیدگاه‌های مختلف رایج و مرسوم در باب ترجمه با نگاهی بی‌طرفانه و تا آنجا که در مجال این اثر می‌گنجد بررسی و به دیده قضاوت خواننده سپرده شده‌اند.